

حول مطالبات واقعی طبقه کارگر متحد شویم

مطالبات واقعی طبقه کارگر از درون اهداف ؛ استراتژی ها ؛ ماهیت و ویژگی این طبقه حاصل می شود . این مطالبات بطور ویژه با هستی طبقه کارگر مرتبط بوده و می بایست با کسب این مطالبات نهایتاً " طبقه کارگر رسالت تاریخی خود را تحقق بخشد . بطور خلاصه و فشرده اینکه مطالبات واقعی از ماهیت مادی این طبقه نشأت می گیرد و می بایست پاسخگوی رسالت وی نیز باشد ؛ مطالبات واقعی طبقه نمی تواند از منشأ ذهنی یک فرد و یا گروهی که با غور و بررسی فکری و درونی نظرات خود ؛ به الزاماتی رسیده اند ناشی شود . کسب واقعی هر کدام از مطالبات می بایست منزلگاهی برای گذار آگاهی ؛ تشکل ؛ سازماندهی ؛ توان و قدرت این طبقه بطور مسلسل و زنجیر وار ؛ طبقه را به رسالت تاریخی خود که همان نفی کلیه طبقات اجتماعی ؛ حذف کسب ارزش اضافی توسط نظام سرمایه داری و نتیجتاً " تحقق دنیای حقیقی و درخور انسان و حاکمیت کار در دنیای وارونه ؛ حذف شیئی وارہ گی و سرمایه سالاری می باشد ؛ قرار گیرد ؛ طبقه کارگر باید بتواند دموکراسی و آزادی واقعی را در جامعه نهادینه کرده و کار را بمنزله توانائیهای تاریخی انسان و نه فروش آن به منصفه ظهور برساند . مطالبات واقعی طبقه کارگر علاوه بر استخراج از الزامات مادی و اهداف طبقه کارگر می بایست دارای یک منطق درونی مرتبط و بهم پیوسته بوده و مطالبات صنفی را به مطالبات سیاسی متصل نماید بدین منظور که فشرده و عصاره مطالبات صنفی طبقه می بایست در مطالبات سیاسی و اهداف بلند مدت آن تبلور یابد در غیر اینصورت طرح مطالبات صنفی که در چارچوب نظام سرمایه داری قرار دارد جز تحکیم زنجیرهای کارگران در این نظام نتیجه دیگری نخواهد داشت . چانه زنی های بی انتها ؛ که سرمایه دار و گماردگانش بهتر از فوت و فن آن سر در می آورند ؛ امتیاز دادن های سرمایه داری با دستی و کسب رضایتمندی موقتی کارگران و چپاول و به یغما بردن امتیازات سابق کارگران با دست دیگر ؛ با ابزارهای بسیار متفاوت و مؤثری که در دست طبقه سرمایه دار قرار دارد اعم از تورم ؛ کمبود ؛ رکود ؛ بیکاری ؛ مذهب ؛ خرافات ؛ میهن پرستی ؛ جنگ ؛ هرج و مرج و نابسامانی ؛ سیکلی بی انتها را بچرخش در خواهد آورد .

هر کدام از بندهای مطالبات صنفی و یا سیاسی طبقه کارگر می بایست دقیقاً مرحله بندی شود ؛ بدین منظور که کدامیک از مطالبات و در چه مرحله ای از توان ؛ قدرت ؛ سازماندهی و مبارزه طبقه کارگر می تواند در دستور کار اجرایی و عملیاتی قرار گیرد ؛ و با کسب پیروزی در این مرحله ؛ توازن مبارزاتی در چه مرحله جدیدی از جنگ بی امان طبقه برای نابودی کل نظام سرمایه داری قرار خواهد گرفت . هر کدام از مطالبات می بایست منطق درونی و ذاتی - نه ذهنی - خاص خود را داشته باشد ؛ جایگاهش با قدرت یابی نهایی طبقه کارگر مشخص شود . ارتباط و بهم پیوستگی هر کدام از مطالبات و یا مجموعه ای از آنها ؛ نیز ضرورتی اساسی در طرح آنست . اگر از منطق علمی ؛ بر مبنای مادی مطالبات طبقه کارگر نقطه عزیمت خود را قرار دهیم آنگاه با هر غور و بررسی در محتوای و عملیاتی نمودن آن می توانیم این مطالبات را یکسان تر ، منطقی تر و با اتحاد و همبستگی بیشتری پیگیری کنیم ؛ اما اگر نقطه عزیمت مطالبات ، تشخیص فردی و یا گروهی بر مبنای ذهن قرار گیرد نه تنها هیچگونه همگرایی رخ نخواهد داد بلکه در هر بحث کلامی ؛ تضادها بیشتر شده و به سمت فرقه و انفراد پیش خواهیم رفت . این امر را هم اکنون شاهدیم که برخی که مدت هاست مطالبات پایه ای خود را که فاقد ویژگی ها و الزامات طرح شده می باشند را بطور دائم تأکید می کنند اما نه تنها بین آنان و کارگران و دیگر فعالین کارگری وفاقی بوقوع نمی پیوندد بلکه در درون خود نیز منفردتر می شوند . برخی مطالبات که انعکاس واقعی تری از مطالبات طبقه کارگر دارند همانند مطالبات اول ماه مه ۱۳۸۸ که توسط چند جریان مختلف در یک اتحاد عملی مطرح گردید و بسیار حاوی نکات ارزشمند و در نوع خود تاریخی است ؛ اما بلحاظ اینکه مبانی علمی و فلسفی این مطالبات جامع نبود و

در موارد توافق شده؛ همگی به وحدت و جمع بندی نرسیده بودند؛ اقدامات و فعالیت پیگیرانه ای در تداوم اجرایی و عملیاتی نمودن این مطالبات بوقوع نپیوست و لذا مطالبات رها شده و واگرایی بین گروههای متحد در اول ماه مه شروع شد و حتی سیر موضع گیری رادیکال در مقابل یکدیگر تداوم یافت. و نهایتاً در این مورد نیز سیکل معیوب "اتحاد - واگرایی" تکرار گردید. طرح مطالبات واقعی طبقه کارگر که هدف خود را برپایی حکومت کارگری قرار دهد بنظر ما در دو مرحله صنفی و سیاسی بطور اساسی تقسیم بندی می شود. در عرصه مطالبات صنفی نیز با توجه به جایگاه واقعی و موجود طبقه کارگر در یک کارخانه و یا یک منطقه و یا یک رشته صنعت؛ از نظر توازن قوا و سابقه تشکیلاتی و مبارزاتی؛ می توان بخش هایی از مطالبات صنفی را بشرط اینکه با بیرون کشیدن از کل مطالبات صنفی و بصورت علمی و منطقی ارتباط ارگانیک خود را با کلیت آن حفظ نماید می توان طرح نمود؛ مطالبات صنفی در هسته و ذات خود می بایست مطالبات سیاسی و اهداف بلند مدت طبقه کارگر را نیز با خود داشته باشد. بعنوان مثال در یک کارخانه ای که فاقد سنت مبارزتی در چند ساله اخیر بوده و کارگران بطور عموم در تشتت و پراکندگی بسر می برند؛ طرح مطالبه تشکیل شوراهای مستقل کارگری با هدف نظارت و دخالت در مدیریت کارخانه و یا مطالبه بیرون بردن نیازهای اساسی و اولیه کارگران اعم از مسکن؛ بهداشت و تغذیه مکفی از بازار کالاهای سرمایه داری و تعدیل و تنظیم آن توسط نظارت مردمی ممکن نبوده بلکه لازم است مطالبات تشکیل سندیکای مستقل کارگری و لغو قراردادهای کار موقت و اخراج کارگر تنها با تأیید نمایندگان مستقل کارگری مطرح شود و پس از تحقق این مراتب می توان گام های بعدی از جمله حق نظارت کارگران بر چرخه تولید و فروش و تشکیل شوراهای کارگری منطقه و یا یک شاخه صنعت را به پیش برد. پس مطالبات واقعی طبقه کارگر یک بسته مطالبات برای تمامی کارخانجات و شاخه های صنعت و یا منطقه های صنعتی نیست که بعنوان توپ در زمین کارگران رها شود و مثلاً مورد پشتیبانی آنان قرار گرفته و یا بعلت فقدان کارایی؛ بی اعتنا از کنار آن بگذرند بلکه نیاز به مشارکت عملی و واقعی فعالین کارگری در داخل و خارج کارخانه و در یک و یا چند واحد تولیدی و یا خدماتی دارد که مطابق سنت و پیشینه مبارزاتی و قدرت تشکل و استقلال کارگران؛ به طرح مجموعه ای از مطالبات اقدام کنند؛ بطوریکه باعث پیشرفت و تکامل تشکل و سازمانیابی کارگران در منزلگاه های حرکت خود به سمت اهداف نهایی طبقه گردد؛ بعبارتی دیگر مطالبه کارگران در هر واحد و منطقه امری دینامیک و پویا بوده و همواره جایگاه خود را نسبت به روند تکاملی تا دستیابی به قدرت سیاسی را مورد بررسی و مد نظر قرار می دهد.

ما در اینجا مطالبات کارگران را در دو عرصه صنفی و سیاسی مطرح می نماییم و معتقدیم که اولاً این دو عرصه نه تنها از یکدیگر مجزا نیستند بلکه نسبت بهم؛ ویژگی تداخل و پوششی داشته و ثانیاً فشرده و عصاره مطالبات صنفی در درون مطالبات سیاسی قرار داشته و نسبت بهم ارتباط تنگاتنگ و درونی دارند. لذا هر گونه فعالیت نظری و عملی که با اصل استخراج از واقعیت مادی طبقه و رسالت تاریخی آن و نیز هدف آن که با بهبود وضعیت و قدرت گیری طبقه کارگر تطابق داشته باشد و بطور مشخص و انضمامی تری پیوستگی و انسجام مطالبات را تا اهداف سیاسی دراز مدت در نظر گیرد به غنای بحث فوق کمک کرده و در این راستا از آن استقبال نموده و آنرا جزو دستاوردهای حرکت تکاملی و به پیش طبقه کارگر ارزیابی می نماییم.

مطالبات صنفی کارگران ایران: افزایش حقوق مکفی برای یک زندگی شرافتمندانه برای ۸ ساعت کار روزانه بر طبق مصوبه نمایندگان شوراهای سراسری کارگران - لغو قراردادهای کار موقت - پرداخت حقوق مکفی به کلیه بیکاران زن و مرد بالای ۱۸ سال - تأمین اجتماعی مکفی برای کلیه کارگران و بیکاران - تأمین مسکن مناسب توسط دولت و کارفرما - داشتن حق تشکل های شورایی و صنفی و حق اعتصاب - لغو نظارت اداره کار در انتخاب شدن نمایندگان کارگران - بهداشت و آموزش رایگان برای کلیه

آحاد جامعه - لغو تبعیض کامل بین کارگران اعم از تفاوت های جنسیتی ؛ ملی ؛ قومی و مذهبی - ممنوعیت اخراج کارگران - ممنوعیت کار افراد زیر ۱۸ سال - افزایش حقوق بازنشستگان طبق تصویب نمایندگان آنها و شوراهای سراسری -

مطالبات تاریخی و سیاسی کارگران : اجتماعی شدن کار خانگی و آزادی زنان از این تقسیم کار دوران بردگی - خارج شدن نیازهای پایه زندگی از جمله مسکن ؛ تغذیه مناسب و مکفی ؛ بهداشت و تحصیل از بازار کالا و تأمین آنها برای کلیه آحاد جامعه - جدایی دین از دولت و شخصی شدن امر دین - برقراری دموکراسی ؛ آزادی ؛ حقوق انسانی و شهروندی برای کلیه آحاد جامعه - الزام دولت به حفظ محیط زیست بعنوان یک وظیفه اساسی - حضور نمایندگان کارگران در بالاترین ارکان قانون گذاری و مجلس شورای ملی - آزادی قلم ؛ بیان ؛ مطبوعات و اجتماعات ؛ آزادی تشکل ها و احزاب - حاکمیت کارگران بر کار و محصولات و لغو کار مزدی - برقراری عدالت اجتماعی و اصل هر کس به اندازه کارش - دموکراتیک و انتخابی شدن همه ارکان حکومتی - ممنوعیت اعدام و شکنجه - ممنوعیت زندان و اجحاف برای هر گونه عقیده سیاسی و مذهبی - اجتماعی شدن ابزار تولیدات زیربنایی و خدمات دولتی - حمایت از صنایع داخلی و کنترل اجتماعی واردات و صادرات - لزوم اخذ مجوز نمایندگان شوراها در قراردادهای اقتصادی و سیاسی خارجی - خارج کردن درآمد نفت از بودجه جاری و سرمایه گذاری در طرح های کلان و زیر بنایی - حق تشکیل حکومت کارگری -

همانطور که ملاحظه می شود تحقق مطالبات صنفی ؛ پایه و اساسی برای تحقق مطالبات سیاسی نیز می گردد بعنوان مثال تحقق پرداخت حقوق بیکاری برای کلیه بیکاران زن و مرد بالای ۱۸ سال (مطالبه صنفی) پایه ای برای اجتماعی شدن کار خانگی و آزادی زنان از این تقسیم کار نا عادلانه می باشد . از طرف دیگر همانطور که قبلا تشریح گردید ؛ بخش هایی از مطالبات فوق در شرایط مشخص و انضمامی مبارزات کارگری بعنوان مطالبه بلافصل کارگران می تواند در برنامه قرار گیرد و پس از دستیابی به هر بخش از مطالبات ؛ دستاوردهای آن را می توان پایه ای برای طرح مطالبات سطح بالاتر قرار داد .

کارگران ضمن تشکل و کار تشکیلاتی و حرفه ای در شوراها و سندیکاها در مرحله ای که عمده مبارزه صنفی است یعنی عمدتا برای کسب حقوق جاری و روزمره خود است ؛ به حذف رسوبات ذهنی جامعه کهن و سرمایه داری که فرورفتن در منافع فردی است نیز می پردازند ؛ تمرین کار گروهی و تشکیلاتی ؛ در جهت دستیابی به شوراهایی که ارکان حکومت آتی باشد و اهداف کل جامعه انسانی را پوشش دهد اقدام نموده و بسیاری از رسوبات جامعه کهن از جمله رفع تبعیض های جنسیتی بر علیه زنان و حذف نظام مرد سالار ؛ حذف کلیه تبعیض های قومی ؛ ملی و مذهبی ؛ حذف منافع فردگرایی بنفع منافع کل طبقه و جامعه و پایه ریزی نظری و اندیشه یک جامعه انسان محور که فارغ از هر گونه تبعیض و استثمار باشد می بایست در ضمن مبارزات صنفی و تدارک برای برقراری شوراهای سراسری کارگران شکل گیرد ؛ و بین مطالبات کوتاه و بلند مدت رابطه ای تنگاتنگ و ارگانیک برقرار شود ؛ تا کارگران آمادگی ایفای نقش تاریخی خود را کسب نمایند

۲۲ بهمن ماه ۸۸

اتحاد برای ایجاد شوراهای سراسری کارگران